



آدم فهمیده و خرس با شعورا!

• احمد اکبر پور • تصویر گر: سام سلماسی

و این از همه بدتر:
 «چوب به دست خرس دادن آسان است، اما
 پس گرفتنش مشکل است.»
 واقعاً اگر چوب دست خودمان بیفتد پس می‌دهیم؟
 و این‌ها هم نمونه‌های دیگر:
 مَشک را به خرس دادند تا بدوزد، آن را عوض
 مزدش خورد.
 از ترس به خرس می‌گوید دایی.
 با خرس کشتی گرفتن کار گفتار است.
 کسی که مهمان او خرس باشد، دانه‌ای در انبارش
 نمی‌ماند
 -تمام شد؟
 -بله قربان
 -خب بیا جلو که می‌خوام بخورمت!
 -ولی من چه گناهی دارم؟ من با این ضرب‌المثل‌ها مخالفم.
 - بله البته! اما من عاشق عسلم و تو هم عین عسل شیرینی!



ریشه‌ی لجبازی ما با بعضی از حیوانات زبان‌بسته، شاید به خاطر چهارتا
 لگد و جفتک و دو تا عرعر بی‌موقع باشد، ولی با خرس بیچاره که جز در
 کتاب‌ها و تلویزیون او را ندیده‌ایم، عجیب است.
 مثلاً: «اگر به خرس تعارف کنی، می‌رود بالای مجلس می‌نشیند.»

خب، توقع داریم خرس با این هیکل ورزشکاری برود ته مجلس کنار
 چهارتا حیوان نیم‌وجبی؟ انصاف هم خوب چیزی است!!

-درست میگی، خوشم اومد.

-بیخشیدشما؟

-من به این گنده‌ای! نمی‌بینی مگه؟ پوووووووفاااا پووووو!

-به‌به! مخلصم جناب خرس بزرگوارااا! بفر ما بید بالای مجلس! منم همین
 دم در ادامه‌ی مطلب را می‌نویسم.

-بنویس پسر جان! فقط عجله کن که کاردارم.

-چشم! اطاعت می‌کنم قربان هیکل تون!

بله داشتم می‌گفتم؛ مثلاً:

«برادر خرس، شکمش است.»

مگر برادر آدمیزاد چیز دیگری است؟

-آفرین! یه چیزایی حالت همیشه!

-خواهش می‌کنم. خدا از بزرگی کم‌تون نکنه.

یا مثلاً:

«به خرس گفتند حرف بز، گفت: پوووووفا.»

انگار ایشون باید میومیو می‌کرده!

-پوووووفااا! مگه آدمیزاد که این‌همه حرف میزنه ما چیزی گفتیم؟

- نه خیر قربان.

-ولی کارت که تموم شد، کارت دارم.

-چشم قربان!

یا این یکی:

«هزار و دو نمایش خرس، فقط سر یک گردو است.»

اصلاً مگه ایشون گردو می‌خوره؟ مگه کلاغه؟

-آفرین!

-ممنون، حالا جناب خرس خودمونیم‌ها، نمایش تون سر چیه؟

-پوووووووفا، برای گردو

اظمینان خاطر!

- عید زاکانی
- انتخاب و بازنویسی: مریم اسلامی

مردی با پسرش از بیابانی عبور می‌کرد. ناگهان پسرک در چاه افتاد.
پدر روی چاه خم شد و فریاد زد: «پسرم! به جان بابا قسم بخور که جایی نمی‌روی!
پسرک قسم خورد.»
پدر گفت: «حالا خیالم راحت شد. می‌روم ریسمانی بیاورم تا نجاتت بدهم.»



زبان ملاری!

- سعیده موسوی زاده
- جمله‌های او پر از قلط
- مثله بی‌ثواده‌ها برایه من پیامکی گذاشته
- اصلن او توجیحی به متنه خود نداشته
- با زبانه فارسی چرا قریبه است
- با زبانه مادری
- فینگیلیش تایپ میکند، «تنکیو فرند من. کیف کن
- از این نوآوری!!»

BisAVaDhaA